

متن پرسش

سلام علیکم استاد عزیز: متأسفانه برخی مردم، طرفداران نظام را، احمق فرض می‌کنند و اصلاً نمی‌توانند درک کنند که چرا ما با وجود این همه فساد و دزدی و مشکلات، از نظام حمایت می‌کنیم یا اینکه فکر می‌کنند امثال ما از جایی تأمین می‌شویم که از نظام حمایت می‌کنیم. سوال بنده این است که چطور اعتراض کنیم و مقابله خود با فساد درون کشور را نشان دهیم که ناامیدی در دل مردم ایجاد نشود؟ به نظر بنده هیئت دولت آنگونه که باید، نشان نمی‌دهند که بخواهند با فساد مقابله کنند و مدام از دشمنی با آمریکا و... می‌گویند (البته شکی در دشمنی آمریکا با ملت ما نیست) و این حرف‌ها برای برخی مردم خسته کننده شده است و به گونه‌ای تصور می‌کنند که انگار این حرف‌ها برای گول زدن است. توقع بنده این است که سران کشور نسبت به مفسدین داخلی به شدت بیشتری برخورد کنند. (مثلاً آقای رحیم پور ازغدی پیشنهاد دادند که در نماز جمعه مفسدین اقتصادی را مجازات کنند) حال چگونه می‌توان نشان داد که بسیجیان در خط مقدم مبارزه با فساد درون کشور حاضرند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این نشان می‌دهد که مردم انتظار و عزم بیشتری برای حل مشکلات دارند. ولی همچنان که در جواب سؤال شماره ۳۴۲۸۷ عرض شد باید برای آن‌ها روشن کرد راه حل مشکلات اتفاقاً تقویت نظام و تقویت دولتی است که با تمام تلاش درصدد رفع مشکلات است. در همین رابطه در جواب سؤال مذکور عرض شد.

ملاحظه می‌کنید که در شرایط تاریخی بسیار حساسی قرار داریم. پیشنهاد بنده آن است که از این زاویه هم می‌توانید به حضور تاریخی و توحیدی انقلاب اسلامی نظر کنید که با میدان آمدن شهدای آن‌چنان بزرگ، حکایت از آینده‌ای دارد که بیرون از عقل استکباری است. در آن صورت به صحنه‌ها به صورت دیگری می‌نگرید. اختیار با خود شما است. با توجه به این امر ما باید متوجه باشیم تنها بیش از دو تاریخ در مقابل‌مان نیست و با توجه به این‌که انسان موجودی است تاریخی و تفکر نیز امری تاریخی می‌باشد؛ خود را در کلیت یکی از این دو تاریخ می‌توانیم معنا کنیم و این‌جا است که با حضور در تاریخی غیر از تاریخی که حاج قاسم به آن تعلق دارد، بخواهیم یا نخواهیم باید مریم رجوی را به عنوان رئیس‌جمهور بپذیریم به عنوان حضور در تاریخی که مقابل جمهوری اسلامی است. از این جهت است که ابتدا و به صورت کلی باید در نزد خود مشخص کنیم به کدام تاریخ در این زمانه تعلق داریم،

وگرنه با اکنون‌زدگی و بی‌تاریخی، آن‌چنان دچار پوچی و سرخوردگی می‌شویم که نمی‌توانیم «خود» را ادامه دهیم.

اشکالات بعدی در دل آن تاریخی که هستیم معنای خاص خود را به خود می‌گیرد که آیا در تاریخی که هستیم آن تاریخ ظرفیت عبور از آن مشکلات را دارا است و یا باید از آن تاریخ منصرف شد؟ این‌جا است که «تفکر» معنا می‌دهد و به اصطلاح گادامر، تاریخ ما را دعوت به تفکر می‌کند تا تفکر ما تاریخی باشد.

به هر صورت خطر بی‌تاریخی خطر کمی نیست به‌خصوص اگر طرف به امید آن که می‌تواند به گمان خودش با سرنگونی جمهوری اسلامی، تاریخی را برای خود شکل دهد و بعد با شکست خود احساس پوچی کند، دیگر به قول خودشان زندگی برایشان معنا نمی‌دهد و به جای آن که خود را ملامت کنند که چرا کارشان به آن‌جا رسید، دست به خودکشی خواهند زد. موفق باشید